

آسیب‌شناسی دوره‌های آموزشی کارآفرینی در کشور

محمد رضا پورعابدی*

نسرین احمدزاده**

چکیده

آموزش کارآفرینی همانند هر نوع آموزش دیگر، فرایندی به‌هم پیوسته و پیچیده است که هم عوامل ساختاری و مدیریتی و هم عوامل بیرونی همچون عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روی آن تأثیرگذار است. در کنار این عوامل، آموزش کارآفرینی به علت ماهیت خاص خود دارای ظرایف و پیچیدگی‌های ویژه‌ای است. کلیه این امور باعث ایجاد چالش‌هایی در روند اجرای این نوع از آموزش‌ها شده و متولیان و دست‌اندرکاران امر را با مشکلاتی مواجه ساخته است. یکی از این چالش‌ها، کاهش روند استقبال از دوره‌های آموزشی کارآفرینی و استمرار نیافتن آنها به شکل سابق، علی‌رغم اهمیت و ضرورت فراگیری آن برای گروه‌های مختلف مخاطبان است. بر همین اساس این موضوع، با هدف آسیب‌شناسی دوره‌های آموزش کارآفرینی و شناسایی دلایل استقبال نکردن از این دوره‌ها بررسی شد.

در بخش مقدماتی، اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مرور متون گردآوری شد. علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، کلیه گزارش‌ها و منابع موجود درباره دوره‌های آموزشی کارآفرینی و اشتغال که در جهاد دانشگاهی و برخی دیگر از سازمان‌ها و مؤسسات دیگر برگزار شده بود، بررسی شد. پس از آن برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از روش کیفی استفاده شد. جامعه آماری این مقاله شامل متخصصان و صاحب‌نظران حوزه اشتغال و کارآفرینی است که در حوزه اشتغال و کارآفرینی مطرح بوده، علاوه بر دانش نظری، از سوابق اجرایی نیز برخوردار بودند و به اصطلاح «خبرگان آگاه» نام دارند. نمونه این مطالعه، اعضای

pourabedy@acecr.ac.ir

* نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت، جهاد دانشگاهی

** پژوهشگر سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان جهاد دانشگاهی

ahmadzadeh@eshteghal.ir

حاضر در کارگروه تخصصی اشتغال و کارآفرینی جهاد دانشگاهی و کارشناسان و مدرسان کارآفرینی هستند. برای جمع‌آوری نمونه نیز از روش گلوله برفی استفاده شد. برای گردآوری اطلاعات، ابزار مصاحبه اکتشافی با بیست نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان (خبرگان) به کار گرفته شد. با توجه به اینکه در این باره مطالعه جدی صورت نگرفته بود، ابتدا از خبرگان موضوع، داده‌ها و اطلاعات با استفاده از مصاحبه اکتشافی احصا گردید و سپس برای اعتباربخشی، یافته‌های نهایی مجدداً برای خبرگان ارسال شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با استفاده از روش کدگذاری صورت گرفت. روش کدگذاری از طریق جزء به جزء کردن اطلاعات به شکل بندی مقوله‌های (طبقه‌ها) اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه می‌پردازد. در واقع بر اساس داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها، مقوله‌های اصلی و فرعی مشخص می‌شود.

در نهایت عوامل آسیب‌زای دوره‌های آموزش کارآفرینی در غالب عوامل مدیریتی/اجرایی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل ساختاری و قانونی و عوامل اقتصادی شناسایی شد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، آموزش، دوره آموزشی، اشتغال و کارآفرینی.

مقدمه

با توجه به اینکه کارآفرینی در دنیا به عنوان راه‌کاری اثربخش در توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضرورت توجه و تربیت افراد غیر کارآفرین و آموزش کارآفرینی به آنان، اهمیت ویژه‌ای دارد. به همین دلیل از سال ۱۳۷۶ تاکنون، فعالیت‌های آموزشی برای تربیت کارآفرینان، در دستور کار بسیاری از مراکز آموزش کارآفرینی در ایران قرار گرفت؛ زیرا لازمه توسعه کارآفرینی، آموزش آن است. همچنین در سال‌های اخیر با توجه به تأکید دولت در برنامه پنجم توسعه کشور مبنی بر توانمندسازی و خروج سالانه ده درصد از افراد دارای قابلیت بازتوانی از چرخه حمایت، آموزش کارآفرینی و اشتغال افراد محروم و فقیر جامعه، برای اجرای عدالت و کاهش فقر، مورد توجه روزافزون دولت‌مردان قرار گرفته است. اما متأسفانه عوامل بی‌شماری باعث شده است تا این آموزش‌ها در کشور از اثربخشی لازم برخوردار نباشند و استقبال عموم از این آموزش‌ها کاهش چشمگیری داشته باشد.

استقبال نکردن از دوره‌های آموزش کارآفرینی به عنوان موضوعی حائز اهمیت در کارگروه تخصصی اشتغال و کارآفرینی جهاد دانشگاهی مورد توجه قرار گرفت و مقرر شد تا مطالعه و پژوهشی در این باره انجام گیرد. بر همین اساس، مقاله حاضر شکل گرفت و عوامل چندی به عنوان عوامل آسیب‌زای آموزش کارآفرینی شناسایی شد که در ادامه به شرح آنها می‌پردازیم.

پیشینه آموزش‌های کارآفرینی

آموزش کارآفرینی در واقع فعالیتی به شمار می‌آید که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره کسب‌وکار استفاده می‌شود و افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت. آموزش کارآفرینی بر سطح گرایش‌ها، فعالیت‌ها و اشتیاق کارآفرینانه تأثیر می‌گذارد و این امر به نوبه خود بر توسعه کسب‌وکارهای جدید در اقتصاد مؤثر است (باقرصاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۳).

نقش آموزش در توسعه و گسترش کارآفرینی همواره پررنگ بوده و مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها برحسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش خود و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی، برنامه‌های آموزشی

متعددی را درباره کارآفرینی طراحی کرده‌اند. مهم‌ترین هدفی که در این برنامه‌های آموزشی پیگیری می‌شود، تربیت کارآفرینان جدید، هدایت کارآفرینان به سمت کسب مهارت‌های لازم و ارائه مهارت‌های لازم به آنان برای بالابردن میزان موفقیتشان در کسب‌وکارهایی است که شروع می‌کنند.

اخیراً علاوه بر آموزش‌های کلاسیک، رویدادهای نوین کارآفرینانه نیز جای خود را در میان آموزش‌های کلاسیک باز کرده است. رویدادهایی که با دو محوریت آموزش غیر کلاسیک و سمیناری و شبکه‌سازی بسیار موفق عمل کرده و سبب بروز شرکت‌ها و کسب و کارهای نوپای بسیار موفق در عرصه بین‌المللی بوده‌اند.

چند سالی است که متدولوژی جدیدی در دنیای کارآفرینی مطرح شده است که از آن با عنوان نظم نوین کارآفرینی یاد می‌شود. هر چند زمان زیادی از پیدایش این متدولوژی نمی‌گذرد، درباره این متدولوژی، کنفرانس‌ها و رویدادهای زیادی در سرتاسر دنیا برگزار شده است و کسب‌وکارهای نوپای فراوانی، خود را با این متدولوژی هماهنگ کرده‌اند.

این رویدادها که در پلت فرم‌های متفاوتی اجرا می‌شود، همگی در دو موضوع آموزش غیر کلاسیک (آموزش در عمل) و شبکه‌سازی (ایجاد ارتباط میان افراد مختلف) مشترکند (سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان، ۱۳۹۴).

پیشینه آموزش کارآفرینی در جهان

از اوایل دهه ۱۹۷۰ تحت شرایطی که ناکارآمدی نظام اداری و اقتصادی به شکل اخراج وسیع کارکنان از شرکت‌های بزرگ و چندملیتی بر همگان آشکار شده بود، مفهوم کارآفرینی و توسعه آموزش‌های مربوط به آن مورد توجه جدی قرار گرفت. انتشار نتایج برخی از تحقیقات درباره اشتغال و رشد اقتصادی به این روند شدت داد که از جمله آنها می‌توان به مقاله دیوید برچ^۱ اشاره کرد. او در پژوهش خود که در سال ۱۹۷۹ منتشر شد، به بررسی روند اشتغال‌زایی و استخدام در ایالات متحده طی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۶ پرداخت و نشان داد که ۸۱ درصد مشاغل خالص را شرکت‌های کوچک با حداکثر صد کارمند ایجاد کرده‌اند و نتیجه گرفت که شرکت‌های

1. David Brech

کوچک، سهم بیشتری را در رشد اقتصادی آمریکا داشته‌اند. در این وضعیت به صورت طبیعی ضرورت توسعه کسب‌وکارهای جدید بیش از پیش مشهود شد، تا جایی که طی دو دهه اخیر سرعت شدید تلاش‌ها برای القای کارآفرینی در شرکت‌های بزرگ و آموزش و توسعه کارآفرینان جدید مشاهده شده است (احمدپور داریانی، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

به طور کلی آموزش کارآفرینی، فرایند نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گراست که طی آن افراد غیر کارآفرین، ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت می‌شوند. در واقع این نوع آموزش، فعالیتی به حساب می‌آید که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره کسب‌وکار استفاده می‌شود و افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت.

علی‌رغم وجود بحث‌های مختلف و اظهارنظرهای متضاد، اکثر مطالعات در سطح خرد و کلان نشان داده است که کارآفرینی قابل آموزش و یادگیری است. برخی مطالعات در سطح خرد نشان داده است که افراد شرکت‌کننده در اینگونه دوره‌های آموزشی، نسبت به کسانی که در دیگر دوره‌های شغلی شرکت کرده‌اند، کسب‌وکارهای بیشتری را راه‌اندازی کرده‌اند.

مطالعات سطح کلان نیز نشان داده که آموزش دانش و مهارت‌های کارآفرینانه بر افزایش نرخ راه‌اندازی و رشد بنگاه‌های اقتصادی، اثر مستقیم و مثبت دارد و باعث توسعه اقتصادی و بهبود کمی و کیفی بنیان‌گذاران کسب‌وکارهای جدید خواهد شد (سعیدی مهرآباد و مهتدی، ۱۳۸۷: ۶۰).

درباره پیشینه آموزش‌های کارآفرینی می‌توان گفت که اولین بار دانشگاه هاروارد (۱۹۴۷)، دوره‌ای موقت درباره آموزش کارآفرینی برگزار کرد. اواخر دهه ۵۰ میلادی، اولین کشوری که در این زمینه به طور کلاسیک فعالیت نمود و ترویج فرهنگ کارآفرینی را از سطح دبیرستان آغاز کرد و آموزش‌های خود را بدین‌منظور شروع نمود، کشور ژاپن بود.

بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ میلادی، بیش از ۹۶ درصد نوآوری صنعتی که توانست موقعیت ژاپن را به موقعیتی برجسته و برتر تبدیل کند، توسط کارآفرینان صورت گرفت. دانشگاه کالیفرنیا جنوبی برای اولین بار در سال ۱۹۷۲، دوره آموزش کارآفرینی را برگزار کرد و در سال ۱۹۸۰ تعداد سیصد دانشگاه، سال ۱۹۹۰ تعداد

۹۶ / آموزش در علوم انسانی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۱۰۵۰ دانشگاه و در سال ۲۰۰۳ میلادی، ۱۶۰۰ دانشگاه درباره آموزش کارآفرینی فعالیت نمودند و امروزه اکثر دانشگاه‌ها دارای دوره‌های کارآفرینی هستند.

به طور کلی فعالیت‌های آموزشی در حوزه کارآفرینی را می‌توان در سه مقطع زمانی و در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ مطالعه کرد. اولین تلاش آموزشی را مک کله‌لند^۱، با هدف انگیزشی توفیق‌طلبی در بین بازرگانان هندی انجام داد. تا اوایل دهه ۱۹۸۰، تنها ۱۳۰ دانشکده به طراحی دوره‌های محدودی در زمینه کارآفرینی پرداخته بودند؛ در حالی که در اوایل دهه ۱۹۹۰، این تعداد به بیش از ۵۰۰ دانشکده رسید و اکنون بیش از ۲۰ دانشگاه، کارآفرینی را به عنوان رشته و گرایشی مستقل تدریس می‌کنند.

کانادا و برخی کشورهای آسیایی همچون فیلیپین، هند و مالزی نیز گام‌های اساسی برای حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی برداشته و دوره‌های ویژه‌ای درباره کارآفرینی، درون و یا خارج از دانشگاه‌ها برگزار می‌کنند.

علاوه بر آن طی یک دهه، سازمان بین‌المللی کار در کشورهای مختلف جهان، بیش از صدهزار کارآفرین را در غالب برنامه‌هایی همچون SIYB، IYBE و KAB آموزش داده است. از مباحث یادشده این‌طور می‌توان نتیجه گرفت که دوره‌های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز نموده، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان مورد توجه قرار گرفته است. هر چند امروزه تنوع این دوره‌ها، شرکت‌های موجود را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد و دوره‌های متعددی برای رشد، بقا و کارآفرین نمودن سازمان‌های بزرگ طراحی شده، هدف اولیه از توسعه کارآفرینی همانا تربیت افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به طور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل دارند (خانی جزنی، ۱۳۸۶: ۲۴۳).

پیشینه آموزش کارآفرینی در ایران

در کشور ما تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این

1. McClelland

زمینه صورت نگرفته بود. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادث‌تر شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. در برنامه اخیر، توسعه کارآفرینی در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و فلزات و همچنین مؤسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت‌های آنها مطرح شد.

به طور کلی در ایران، اولین دوره آموزش کارآفرینی (رسمی/ دانشگاهی) در سال ۱۳۸۳ در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با عنوان مدیریت بازرگانی (گرایش کارآفرینی) برگزار شد. در همان سال‌ها برخی از سازمان‌ها و مؤسسات همچون سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان که در آن زمان با نام سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان خوانده می‌شد، شروع به تدوین دوره و برگزاری آن نمودند. علاوه بر آن مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها، حوزه کارآفرینی وزارت کار، شهرداری و... نیز شکل گرفته بودند و درباره آموزش کارآفرینی فعالیت می‌نمودند.

در سال ۱۳۸۵، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران با همکاری وزارت علوم، وزارت کار و دانشگاه تهران راه‌اندازی شد. در سال ۱۳۸۶، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی با استفاده از منابع سازمان بین‌المللی کار، طرح آموزش کارآفرینی را ارائه نمود. سازمان بین‌المللی کار بر اساس تجاربی که از اجرای دوره‌های آموزش کارآفرینی در سایر کشورها به دست آورده بود و بر اساس شرایط اقتصاد ایران، چارچوبی برای تشکیل دوره‌های آموزش کارآفرینی در ایران در قالب ستاد آموزش کارآفرینی ایران طراحی و ارائه داده بود که مؤسسه کار تأمین اجتماعی از آن استفاده کرد. علاوه بر آن همزمان با تدوین نظام جدید آموزشی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، کارآفرینی را به عنوان یکی از دروس رشته کار و دانش پیشنهاد کرد (خانی جزنی، ۱۳۸۶: ۲۴۳).

هم‌اکنون نیز بسیاری از سازمان‌ها و مؤسسات خصوصی در حال تدوین و برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی هستند. با وجود این فعالیت‌های آموزش کارآفرینی در ایران خیلی دیر آغاز شد و ایران حدود شصت سال در حوزه آموزش کارآفرینی از کشورهای که در این حوزه فعالند، عقب است.

پیشینه آموزش کارآفرینی

(سازمان تجاری سازی فناوری و اشتغال دانش آموختگان «جهاد دانشگاهی»)^(۱)

سازمان تجاری سازی فناوری و اشتغال دانش آموختگان همواره یکی از سازوکارهای سامان دهی اشتغال دانش آموختگان را ارتقای سطح آگاهی و توانمندی های آنها از طریق ارائه آموزش و مهارت های لازم و خدمات مشاوره ای می داند. معاونت توانمندسازی و تحقیقات اشتغال و کارآفرینی به عنوان یکی از بخش های این سازمان، با مطالعه و بررسی تجارب (داخلی و خارجی) در بخش آموزش مهارت های کسب و کار، کارآفرینی و مهارت های شغلی به تدوین و بومی سازی این دوره ها پرداخته و دوره های متعددی را برگزار کرده است.

همچنین با برقراری ارتباط و همکاری با مراکز و سازمان های ذی ربط درباره مهارت های حوزه اشتغال، کارآفرینی و مهارت های کسب و کار به اجرای دوره های مربوطه پرداخته است. از اهم فعالیت های آموزشی که در این سازمان و معاونت صورت گرفته، می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱- تدوین و برگزاری دوره های کارآفرینی و مهارت های کسب و کار برای توانمندسازی

دانش آموختگان به شرح جدول زیر:

جدول ۱- تدوین و برگزاری دوره های کارآفرینی و مهارت های کسب و کار

از سال ۷۹ تا ۹۱

عنوان	دوره های تدوین شده	دوره های برگزار شده	تعداد فراگیران
۱۳۷۹	۱۸	۱۳	۴۳۰
۱۳۸۰	۶۴	۱۰	۳۴۰
۱۳۸۱	۸	۶۴	۱۸۶۵
۱۳۸۲	۱۸	۷۵	۲۱۰۰
۱۳۸۳	۲۳	۹۱	۲۵۲۰
۱۳۸۴	۹	۱۳۰	۳۱۰۰
۱۳۸۵	۱۰۰	۴۷۱	۱۱۷۹۹
۱۳۸۶	۱۲	۶۲۳	۱۶۷۷۵
۱۳۸۷	۴	۵۳۳	۱۳۳۳۰

۱۳۸۸	۵۳	۱۰۸۵	۲۷۱۴۰
۱۳۸۹	۱۷	۴۷۹	۱۱۹۸۱
۱۳۹۰	۷۶	۸۵۶	۲۱۴۶۶
۱۳۹۱	۵۳	۱۴۰	۳۶۵۰
جمع	۴۵۵	۴۵۷۰	۱۱۶۴۹۶

برخی از عناوین دوره‌های برگزار شده عبارتند از:

- دوره مهارت‌آموزی کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار بر اساس الگوی گام‌به‌گام (۷۲ ساعته)
- دوره‌های آموزشی آمادگی شغلی
- دوره‌های آموزشی تعاون و کارآفرینی
- دوره‌های آموزشی آشنایی با کارآفرینی ویژه مدیران صنایع و معادن ایران
- دوره آموزشی کارآفرینی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی
- دوره آموزشی کارآفرینی ویژه مدیران و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
- سایر دوره‌ها

۲- برگزاری دوره‌های تربیت مربی و مشاور کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار: این سازمان در راستای تأمین مربی و مشاور کارآفرینی، اقدام به برگزاری دوره‌های تربیت مربی نموده است. اولین دوره آموزش تربیت مربی، در سال ۸۳ برگزار شد و تاکنون نزدیک به شصت دوره تربیت مربی برگزار شد و حدود ۱۳۵۰ نفر در این زمینه آموزش دیده‌اند. این دوره‌ها بر اساس استانداردهای زیر تدوین و اجرا شده‌اند:

- دوره تربیت مربی کارآفرینی بر اساس الگوی گام‌به‌گام
- دوره تربیت مربی کارآفرینی بر اساس الگوی NFTE
- دوره تربیت مربی کارآفرینی بر اساس الگوی SIYB

روش تحقیق

در این مقاله در بخش مقدماتی، اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مرور متون گردآوری شد. علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، کلیه گزارش‌ها و منابع موجود درباره دوره‌های آموزشی کارآفرینی و اشتغال که در جهاد دانشگاهی و گاه سازمان‌ها و مؤسسات دیگر برگزار شده بود، بررسی شد. پس از آن برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از روش کیفی استفاده شد.

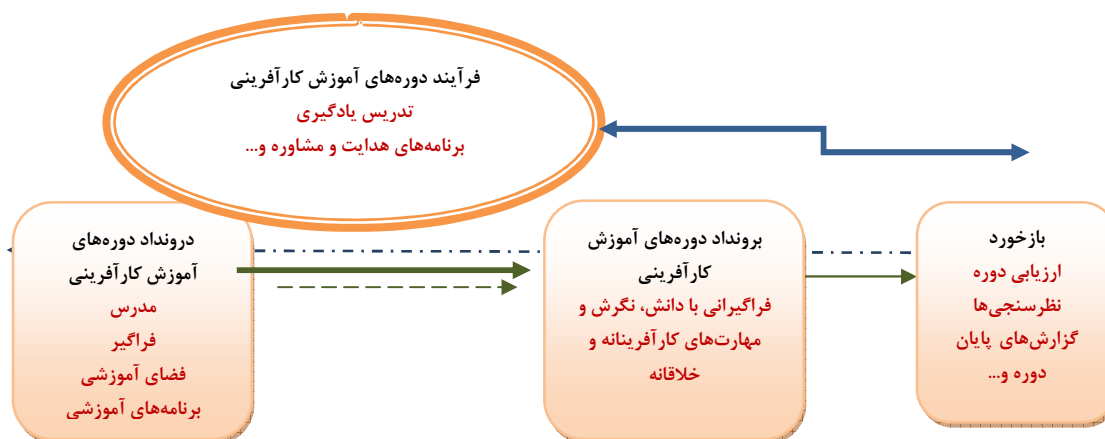
جامعه آماری این مقاله شامل متخصصان و صاحب‌نظران حوزه اشتغال و کارآفرینی است که در حوزه اشتغال و کارآفرینی مطرح بودند و علاوه بر دانش نظری، از سوابق اجرایی نیز برخوردار بوده، به اصطلاح «خبرگان آگاه» نام دارند. نمونه این مطالعه، اعضای حاضر در کارگروه تخصصی اشتغال و کارآفرینی جهاد دانشگاهی و کارشناسان و مدرسان کارآفرینی هستند. برای جمع‌آوری نمونه نیز از روش گلوله برفی استفاده شد. برای گردآوری اطلاعات نیز ابزار مصاحبه اکتشافی با بیست نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان (خبرگان) به کار گرفته شد. «در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف، توصیف عقاید و نگرش مصاحبه‌شوندگان باشد، در این صورت با توجه به زمان و منابع قابل دسترس، می‌توان از تعداد ۲۰-۲۵ نمونه برای انجام پژوهش استفاده کرد» (عباسی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۶).

با توجه به اینکه در این باره مطالعه جدی صورت نگرفته بود، ابتدا از خبرگان موضوع، داده‌ها و اطلاعات با استفاده از مصاحبه اکتشافی احصا شد و سپس برای اعتباربخشی، یافته‌های نهایی دوباره برای خبرگان ارسال شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با استفاده از روش کدگذاری صورت گرفت. روش کدگذاری از طریق جزء به جزء کردن اطلاعات، به شکل بندی مقوله‌های (طبقه‌ها) اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه می‌پردازد. در واقع بر اساس داده‌های گردآوری‌شده از مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها، مقوله‌های اصلی و فرعی مشخص می‌شود (ر.ک: سرمد و دیگران، ۱۳۸۷).

عوامل آسیب‌زای آموزش‌های کارآفرینی در کشور

پیش از پرداختن به عوامل آسیب‌زای آموزش‌های کارآفرینی، باید ببینیم که چه

اجزا و عناصری در آموزش کارآفرینی مورد توجه و تأکید خط‌مشی‌گذاران است. در این راستا از رویکردی نظام‌مند برای بررسی اجزای آموزش کارآفرینی استفاده شده و بر اساس این رویکرد، پنج دسته عنصر (درونداد، فرآیندها، محصول، برونداد و پیامد) به عنوان عناصر دخیل در آموزش کارآفرینی در نظر گرفته شده که بر اساس آنها می‌توان آموزش را به عنوان یک سیستم، تشریح یا ارزیابی کرد. حال با نگاهی سامانمند به آموزش کارآفرینی متوجه خواهیم شد که این سیستم در کلیه بخش‌های خود همچون درونداد^۱، یعنی آنچه به سیستم وارد می‌شود، فرآیند^۲ یعنی مجموعه فعل و انفعالاتی که روی دروندادها انجام می‌گیرد، برونداد^۳، همان نتیجه و محصول فرآیند آموزش و در نهایت بازخورد^۴ که روشی برای کنترل یک سیستم، به وسیله وارد نمودن مجدد نتایج عملکرد گذشته سیستم به درون آن است، دچار مشکل است (رحمتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶).



شکل ۱- سیستم آموزش‌های کارآفرینی

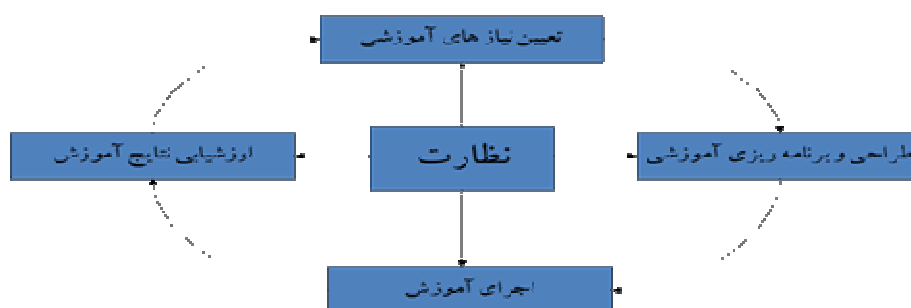
حال این سؤال پیش می‌آید که چه عواملی سیستم آموزش‌های کارآفرینی را مختل نموده است؟ آنچه در ادامه می‌آید، مبین این عوامل خواهد بود:

1. Input
2. Process
3. Out put
4. Feed back

۱۰۲ / آموزش در علوم انسانی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

الف) عوامل مدیریتی و اجرایی (مدیریت دوره‌ها، سیستم ارزیابی، سیستم نیازسنجی، اجرای دوره‌ها و...): عوامل مدیریتی و اجرایی دوره‌ها بر اساس استاندارد ایزو ۱۰۰۱۵ و بخش‌های مختلف آن بررسی شد.

با توجه به اینکه استانداردسازی فرآیند آموزش، ضرورتی برای ارتقابخشی به عملکرد سازمان‌هاست، یکی از روش‌های بهینه‌سازی آموزش و مدیریت منابع انسانی، استفاده از شاخص‌هایی است که به واسطه آن، فرآیند آموزش ارزیابی می‌شود و میزان اثربخشی آن تعیین می‌گردد. استاندارد ایزو ۱۰۰۱۵ از جمله این استانداردهاست (ابراهیمی مقدم، ۱۳۹۰: ۳۵).



شکل ۲- استاندارد ISO 10015

همان‌طور که در نمودار بالا می‌بینید، آموزش بر اساس استاندارد ایزو ۱۰۰۱۵ در چهار مرحله نیازسنجی، برنامه‌ریزی، برگزاری دوره‌های آموزشی و ارزیابی اثربخشی آن صورت می‌گیرد. در این روش، خروجی هر مرحله به عنوان ورودی مرحله بعدی است. با توجه به اعتبار و اهمیت استانداردسازی آموزش بر اساس ایزو ۱۰۰۱۵، به نظر می‌رسد ظرفیت این الگو نسبت به سایر الگوها در تعیین اثربخشی آموزش بالاتر باشد (ابراهیمی مقدم، ۱۳۹۰: ۶۸).

یکی از ویژگی‌های بارز این استاندارد، توجه به نیازسنجی و فرآیند آن است که افراد را ملزم می‌کند تا پیش از اقدام به اجرای هر برنامه آموزشی، نیازسنجی را انجام داده باشند. فرآیند نیازسنجی در این سیستم به عنوان اولین اقدام در آموزش مطرح است. یکی از اهداف اساسی که این استاندارد دنبال می‌کند آن است که به افراد کمک می‌کند

تا به خوبی بتوانند در زمینه شناخت و تجزیه و تحلیل نیازهای آموزشی و طراحی و اجرای آموزش و در نهایت ارزش‌یابی مستمر فرآیند آموزشی، نتایج کار را بررسی و با نظارت بر بهسازی آموزش، اهداف مورد نظر سازمان را به خوبی دنبال کنند (سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان، ۱۳۸۳).

با توجه به آنچه ذکر شد، با بیان عوامل مدیریتی و اجرایی خواهیم دید که هیچ‌کدام از موارد مطرح‌شده در استاندارد ایزو ۱۰۰۱۵ در فرآیند آموزش‌های کارآفرینی مورد توجه جدی قرار نگرفته است. عوامل مدیریتی و اجرایی یادشده عبارتند از:

- ضعف سیستم نیازسنجی
- ارائه نشدن آموزش‌های تقاضامحور، کارگشا و کارآمد
- ارائه آموزش‌ها به صورت تئوریک و دانشگاهی
- نتیجه‌گرا نبودن دوره‌ها
- پذیرش بدون قید و شرط افراد در دوره‌های تربیت مربی و به دنبال آن، حضور مدرسان و مربیانی که شایستگی تدریس در دوره‌ها را ندارند
- توجه بیش از اندازه به جنبه آگاهی‌دهنده دوره‌ها و بی‌توجهی به جنبه‌های مهارتی و نگرشی آنها
- ناهمگونی شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی و نداشتن برنامه‌ریزی مناسب برای ثبت‌نام افراد
- بی‌توجهی به جنبه‌های روان‌شناختی فراگیران برای حضور در دوره‌ها همچون نیازهای یادگیری، ویژگی‌های شخصیتی، اجتماعی، شغلی، مقطع تحصیلی، پایه تحصیلی و حتی جنس (مذکر، مؤنث بودن) یادگیرندگان و علائق و انگیزه‌های افراد
- اشباع آموزش‌های کارآفرینی در کشور با توجه به ایجاد دوره‌های علمی و دانشگاهی
- بی‌توجهی به نوآوری در آموزش‌ها
- ارائه آموزش‌ها بدون توجه به نیازهای فراگیران
- ارزیابی سطحی برنامه‌ها و ارائه نشدن بازخورد و بهبود فرآیند آموزش‌ها
- الگوبرداری کورکورانه از دوره‌های آموزشی بین‌المللی

- اتخاذ نکردن تصمیمات لازم دربارهٔ تداوم و یا عدم تداوم یک برنامهٔ آموزشی
- اغراق در بیان اهداف برگزاری دوره‌ها
- رسیدن به مرحلهٔ افول در آموزش‌های کارآفرینی
- ارائه نشدن برنامه‌های هدایت و مشاوره پس از اتمام دوره‌ها
- به کار نگرفتن روش‌ها و شیوه‌های نوین تدریس
- به روز نبودن آموزش‌ها
- نداشتن نظارت دقیق بر فرآیند آموزش‌های کارآفرینی
- نداشتن ارزش‌یابی دقیق دوره‌ها و بهبود دوره‌ها بر اساس نتایج ارزش‌یابی (سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان، ۱۳۸۱)
- ب) عوامل اجتماعی (نیازهای جامعه، توقع جامعه از آموزش، نوع نگرش مردم نسبت به آموزش، میزان دخالت مردم در مسایل مختلف آموزش، حس اعتماد جمعی، تطابق ارزش‌های اجتماعی با سیاست‌های آموزشی کارآفرینی، داشتن درک مناسب از اهمیت و ضرورت آموزش‌های کارآفرینی) (سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان، ۱۳۹۳ الف، ب و ج):
- دل‌زدگی جامعه از این آموزش‌ها و تلقی افراد ارائه‌دهنده آموزش به سودجویانه بودن آموزش‌ها
- عدم تلقی آموزش‌های کارآفرینی به عنوان یک امر ارزشمند به جای تلقی آن به عنوان هزینه
- برخورد هیجانی و احساسی جامعه با موضوعات و مباحث جدید (بدین معنی که زمانی که موضوعی بورس است، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد و پس از مدتی رها می‌شود)
- از بین رفتن حس اعتماد جمعی به دلیل ناهم‌خوانی ادعاهای موجود دربارهٔ آموزش‌های کارآفرینی در رفع مشکل بیکاری و توانمندسازی صاحبان کسب‌وکار و کیفیت پایین آموزش‌ها
- برخورد تجاری و غیر حرفه‌ای برخی از مؤسسات و سازمان‌ها دربارهٔ دوره‌های آموزش کارآفرینی
- توجه به منافع شخصی و کم‌توجهی به منافع اجتماعی آموزش‌ها

- رشد بی‌رویه مؤسسات آموزشی در حوزه کارآفرینی.
- ج) عوامل فرهنگی (فرهنگ کار، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، ارزش‌های نهفته در خرده‌فرهنگ‌ها) (ر.ک: گل‌آور، ۱۳۹۰)
- حمایت نکردن هنجارهای فرهنگی از کارآفرینی
- تأکید نکردن نظام تعلیم و تربیت بر اهمیت یادگیری کارآفرینی
- ضعف در برنامه‌های فرهنگ‌سازی (ر.ک: محمدپور و دیگران، ۱۳۹۱)
- نپذیرفتن کارآفرینی به عنوان یک شیوه زندگی شغلی (ر.ک: گل‌آور، ۱۳۹۰)
- فرهنگ‌سازی ناقص و گاه غلط درباره اهمیت و ضرورت آموزش‌های کارآفرینی
- نبود نگرش مثبت به آموزش‌های کارآفرینی و نتایج حاصل از آن در خانواده‌ها
- تمایل خانواده‌ها و مدارس به حضور جوانان در حرفه‌هایی با درآمد مطمئن و بدون ریسک به جای فعالیت‌های کارآفرینانه
- گریز جامعه از فعالیت‌های کارآفرینانه به دلیل خطرپذیری مالی زیاد (ترس از دست دادن سرمایه شخصی)، دست نیافتن به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری (ترس از ناتوانی تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب‌وکار)، موانع اداری (نگرانی از ممکن نبودن تأمین الزامات قانونی)، هزینه‌ها و خطرات اجتماعی (نگرانی از نبودن احتمالی امنیت اجتماعی)
- د) عوامل ساختاری و قانونی (ساختارها، مقررات، دستورالعمل‌ها، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی، دسترسی به منابع مالی، سیاست‌گذاری و پشتیبانی) (سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان، ۱۳۹۳ الف، ب و ج):
- نبود ضوابط و قوانین الزام‌آور مبنی بر گذراندن دوره‌های کارآفرینی برای کسانی که قصد راه‌اندازی کسب‌وکار را دارند
- نبود نهاد و ارگان متولی امر کارآفرینی و اشتغال و آموزش‌های مرتبط
- نبود نظام جامع آموزشی برای تدوین اهداف و خط‌مشی‌ها و چارچوب‌های آموزشی
- تغییر سیاست سازمان‌هایی همچون وزارت کار از آموزش‌های کارآفرینی به ایجاد مشاغل خانگی و یا وزارت علوم و معاونت علمی ریاست‌جمهوری به سمت شرکت‌های دانش‌بنیان و فناورمحور

- ه) عوامل اقتصادی (میزان سرمایه‌گذاری در آموزش‌های کارآفرینی، میزان اشتغال‌زا بودن آموزش‌های کارآفرینی، فضای کسب‌وکار و فضای اقتصادی کشور) (همان):
- ارائه نشدن برنامه‌های تشویقی و حمایتی در این دوره‌ها در راستای تأسیس و راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید
 - نبود آمارهای مناسب برای سرمایه‌گذاری در آموزش‌های کارآفرینی
 - تخصیص نیافتن بودجه و منابع مالی برای حمایت از آموزش‌های کارآفرینی (باقری و نمازیان، ۱۳۹۱: ۸)
 - ارائه نشدن حمایت‌های لازم از سوی نهادهای حامی، بانک‌ها و مؤسسات کشور برای توسعه مباحث کارآفرینی
 - نبود اقبال عمومی به مباحث کارآفرینی به خاطر نبود اطمینان در فضای کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی
 - تغییر رویکردهای و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی کشور و استقبال نشدن از کارآفرینی و آموزش‌های مرتبط
- و) حذف عوامل پشتیبان و وام‌های خوداشتغالی و کارآفرینی: یکی از دلایل استقبال از دوره‌ها، حمایت مؤسسه کار از دوره‌ها و اعلام تلویحی پیش‌نیاز بودن دوره‌ها برای دریافت وام‌های خوداشتغالی و کارآفرینی از مراجع ذی‌ربط بود که با حذف این عوامل پشتیبان، استقبال از دوره‌ها کاهش چشمگیری یافت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج دیده‌بان جهانی GEM طی سال‌های مختلف در ایران نشان می‌دهد که فعالیت‌های کارآفرینی در کشور، نوآورانه و بر پایه تشخیص فرصت‌ها نبوده، بلکه برحسب ضرورت (گریز از بیکاری) صورت می‌گرفته و در نتیجه آموزش‌های کارآفرینی و حضور مخاطبان در این دوره‌ها از این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. علاوه بر آن، فرآیند آموزش‌های کارآفرینی در کشور بر اساس استانداردهای موجود، تهیه، تدوین و اجرا نمی‌شود. دولت نیز که در تحقق اهداف مورد نظر خود از اجرای دوره‌های کارآفرینی ناکام مانده، به تدریج حمایت‌های خود را از برگزاری این دوره‌ها کاهش داد. کلیه این عوامل و دیگر عوامل فرهنگی، ساختاری، قانونی و عوامل اقتصادی نیز مزید بر علت بوده

و باعث شده تا این آموزش‌ها اثربخشی و کارایی لازم را نداشته باشند.

شاید حل این معضل، کارچندان ساده‌ای نباشد و به راحتی نتوان این دوره‌ها را دوباره در کشور احیا کرد؛ ولی با اجرای این راه‌کارها می‌توان تا حدودی بر این مشکل چیره شد:

۱. مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح و اصولی دوره‌ها و تهیه، تدوین و برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی بر اساس استانداردها و الگوهای موجود آموزشی
۲. ارزیابی دوره‌های آموزشی برگزارشده برای مشخص کردن کاستی‌ها و معایب دوره‌ها و تلاش در جهت رفع و بهبود آنها
۳. تهیه، تدوین و اجرای دوره‌های جدید آموزشی مانند دوره‌های تخصصی/ترکیبی کارآفرینی^(۳)
۴. تغییر در شیوه اجرا و برگزاری دوره‌های آموزشی و استفاده از شیوه‌هایی مانند آموزش‌های مجازی که امکان دسترسی افراد را به این آموزش‌ها تسهیل می‌کند.
۵. معرفی کارآفرینی به عنوان یکی از مهارت‌های پایه اجتماعی و یا نوعی از سبک زندگی به افراد و ارائه آموزش‌های مربوط به صورت رایگان
۶. تدوین و برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی متناسب با گروه‌های سنی
۷. تدوین و برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی متناسب با رشته‌های دانشگاهی و بر اساس فرصت‌های کارآفرینی در هر رشته تحصیلی
۸. تلفیق دوره‌های کارآفرینی با برنامه‌های تکمیلی همچون برنامه‌های مشاوره و حمایت از افراد پس از پایان دوره‌ها
۹. برگزاری دوره‌های نوین کارآفرینی در اشکال جذاب و متناسب با ذائقه و گرایش‌های یادگیری نسل جوان
۱۰. افزایش سیاست‌های حمایتی در حوزه کارآفرینی
۱۱. برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی در جهت جلب اعتماد افراد جامعه به آموزش‌های کارآفرینی و معرفی کارآفرینی به عنوان مهارتی ضروری که فراگیری آن برای افراد لازم است.

پی‌نوشت

۱. این سازمان قبلاً با نام سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان فعالیت می‌کرد.
۲. دوره‌های تخصصی ترکیبی به دوره‌هایی اطلاق می‌شود که علاوه بر مباحث عمومی کارآفرینی، حرفه و مهارت خاصی را نیز آموزش می‌دهد.

منابع

- ابراهیمی مقدم، صغری (۱۳۹۰) «مقدمه‌ای بر استاندارد آموزشی ایزو ۱۰۰۱۵ و راه‌کارهای اجرای آن»، فصلنامه توسعه منابع انسانی و پشتیبانی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۳۷-۷۲.
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۶) کارآفرینی، تعاریف؛ نظریات و الگوها، تهران، شرکت پردیس.
- باقرصاد، وجیه و دیگران (۱۳۹۲) «تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی دانشجویان رشته‌های فنی و حرفه‌ای»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۲۱-۳۶.
- باقری، مسعود و مریم نمازیان (۱۳۹۱) موانع کارآفرینی در ایران، نقش بومی‌سازی و راه‌کارها، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان.
- خانی‌جزنی، ج (۱۳۸۶) «تأثیر آموزش کارآفرینی بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۲۴۲-۲۶۵.
- رحمتی، محمدحسین و دیگران (۱۳۸۹) «تحلیل نظام خط‌مشی‌گذاری برای آموزش غیر رسمی کارآفرینی در ایران»، نشریه توسعه کارآفرینی، سال ۳، شماره ۹، صص ۷-۳۵.
- سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان (۱۳۸۱) نقش آموزش کارآفرینی در ایجاد اشتغال، تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.
- (۱۳۸۳) استاندارد بین‌المللی ISO10015، تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.
- (۱۳۸۸) گزارش برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌های کسب‌وکار و کارآفرینی، تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.
- (۱۳۹۳الف) گزارش برگزاری دوره آشنایی با کارآفرینی و کسب‌وکار ویژه متقاضیان راه‌اندازی واحدهای صنعتی در استان تهران، تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.
- (۱۳۹۳ب) گزارش برگزاری کارگاه آموزشی ثبت پتنت و روش‌های جست‌وجوی پیشینه اختراعات، تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.
- (۱۳۹۳ج) گزارش برگزاری دوره کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار فردی، تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.
- (۱۳۹۴) طرح معرفی برنامه‌های نوین توسعه کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا، تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.

- ۱۱۰ / آموزش در علوم انسانی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
- سرمد، زهره و عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۷) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، آگاه.
- سعیدی مهرآبادی، محمد و محمد مهتدی (۱۳۸۷) «تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه»، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۷-۷۳.
- عباسی، بدری و دیگران (۱۳۸۸) «تحقیق کیفی پیرامون تأثیر رویکرد تجاری‌سازی بر ارزش‌های سنتی دانشگاه»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۳-۷۶.
- گزارش فعالیت‌های سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۹۲ (۱۳۹۲) تهران، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان.
- گل‌آور، مرتضی (۱۳۹۰) «فرهنگ کار و کارآفرینی در ایران و سایر کشورها»، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۴۰، صص ۷۲-۷۹.
- محمدپور، محمدمهدی و دیگران (۱۳۹۱) بررسی نقش کارآفرینی در تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی: چالش‌ها و راه‌کارها، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان.